

موضوع عام: نماز در غیر مأكول اللحم

مقرر: محمد وحیدنیا

موضوع خاص: لباس مشکوک/تاریخچه بحث

باسمه تعالی

- ۱..... لباس مشکوک.....
- ۲..... بررسی شهرت در مسأله.....
- ۲..... تمایز شرطیت مینه نبودن و غیر مأكول اللحم بودن.....
- ۳..... اولین بحث کننده‌ی این مسأله و رساله‌های موجود در این بحث.....
- ۵..... عبارت محقق در شرایع ذیل این مسأله.....
- ۵..... عبارت محقق در معتبر ذیل این مسأله.....
- ۷..... تبیین مسأله در چهار مقام توسط مرحوم حکیم.....
- ۸..... عبارت مرحوم حکیم در تبیین شهرت در مسأله.....

موضوع: نماز/شرایط لباس نمازگزار/نماز در غیر مأكول اللحم/لباس مشکوک/تاریخچه بحث

خلاصه مباحث گذشته:

متن خلاصه ...

لباس مشکوک

در بهجة الفقیه صفحه‌ی ۲۷۸ یک بحثی وارد شده است، که در کتاب‌های قبل از مثل مرحوم نائینی که وصل می‌شود به قبل از مرحوم آمیرزا محمد حسن شیرازی که به صورت بسیار مختصر، در حد نصف صفحه یا نهایتاً یک صفحه ارائه می‌کردند. اما بعد از مرحوم آمیرزا محمد حسن شیرازی، میرزای بزرگ، که ایشان روال فتوا را تغییر دادند، در این مسأله اختلاف به وجود آمد؛ لذا نظرها، دقت‌ها و بحث‌هایی در این مسأله به وجود آمد. به عنوان نمونه در همین بهجة الفقیه حدود ۲۵ تا ۳۰ صفحه به این بحث اختصاص داده شده است. اکنون به عبارت بهجة الفقیه می‌پردازیم. در این عبارت چنین وارد شده است: «و أمّا الکلام فی اللباس المشکوک کونه من غیر المأكول، فعن المشهور المنع، و قيل بالجواز، و قيل بالتفصیل، و سیأتی إليها الإشارة و إلى أدلتها»^۱

۱ بهجة الفقیه، ص ۲۷۸.

بررسی شهرت در مسأله

مبدأ شهرتی که در این مسأله ادعا شده، جمله‌ای از صاحب مدارک است که در دو جا از کتاب شرح شرایع این فتوا را به مشهور استناد داده است. یک بار در بحث لباس مصلی^۱ و بار دوم هم در بحث احکام خلل نماز^۲ این نکته را بیان کرده است. ایشان در بحث احکام خلل به این مطلب اشاره دارند که این مسأله بین اصحاب امامی، قطعی بوده است؛ طبق این بیان در جایی که مکلف شک داشته باشد که لباسش از مأكول اللحم دوخته شده یا از غیر مأكول، ایشان می‌فرماید نزد جمیع فقهای امامیه مقطوع این است که نماز در این لباس جایز نیست و اگر هم در این لباس نماز بخواند باید اعاده کنید، ولو اینکه به مذکی بودن آن علم داشته باشد.

تمایز شرطیت میته نبودن و غیر مأكول اللحم بودن

نکته: در لباس مصلی چند مسأله وجود دارد. یکی از مسائل در لباس مصلی این است که نباید از اجزاء میته دوخته شده باشد. در کتاب‌های فقهی قبلی در ابتدا میته و بعد از آن مأكول اللحم بودن و سپس موارد دیگر را به عنوان شرط لباس نمازگزار بیان می‌کردند، ولی در کتاب‌های فقهی متأخر، در ابتدا طهارت و بعد از آن اباحه و سپس از اجزاء میته نبودن را ذکر کرده‌اند، پس میته نبودن به عنوان شرط سوم ذکر شده است.

به هر حال اینکه لباس نمازگزار نباید از میته باشد، غیر از چیزی است که محل بحث ما می‌باشد. محل بحث ما این است که اجزای لباس نمازگزار نباید از غیر مأكول اللحم باشد ولو اینکه تذکیه شده باشد. یعنی اگر لباسی که دوخته شده از حیوان غیر مأكول اللحمی باشد که ذبح شده و مذکی هم باشد، پوشیدن آن برای نماز جایز نیست. به بیان دیگر این دو مسأله، دو شرط مستقل برای لباس نمازگزار می‌باشند. یکی میته نبودن و دیگری غیر مأكول اللحم نبودن، که رابطه‌ی این دو با یکدیگر هم عموم و خصوص من وجه است؛ بنابراین اگر حیوان مأكول اللحمی داشته باشیم که مرده باشد و تذکیه نشده باشد از جهت غیر مأكول اللحم بودن، اشکالی برای نماز ایجاد نمی‌کند ولی میته بودن آن موجب اشکال در نماز می‌شود، و اگر حیوان غیر مأكول اللحمی داشته باشیم که تذکیه شده باشد، از جهت میته بودن اشکالی برای نماز ایجاد نمی‌کند ولی غیر مأكول اللحم بودن موجب اشکال در نماز می‌شود، و اگر حیوان غیر مأكول اللحمی داشته باشیم که مرده باشد و تذکیه نشده باشد، از دو جهت برای نماز مشکل ایجاد می‌کند.

۱ مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، ج ۳، ص ۱۶۴.

۲ مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، ج ۴، ص ۲۱۴.

بحث ما در جایی است که شک داریم حیوانی مثل ماهوت، مأکول اللحم است یا خیر، در چنین جایی باید چگونه عمل کرد؟

می‌فرماید مشهور گفته‌اند جایز نیست. قبلاً عرض کردم که شروع این قطع اصحاب، به صاحب مدارک برمی‌گردد. در مستمسک از شافیه، همین مطلب نقل شده و به مشهور نسبت داده شده است.^۱

قبل از اینکه به ادامه‌ی بحث بپردازیم، باید عرض کنیم اولین فرد از اصحاب که این مسأله در عبارات او وارد شده است، محقق اول می‌باشد. عده‌ای بودن که در کتاب خود گفته بودند، هرچه گشتیم حتی یک عبارت مختصر، از قبل از محقق اول نیافتیم که در آن گفته شده باشد، نماز در لباس مشکوک جایز نیست. با توجه به این نکته چگونه ادعای شهرت یا قطعیت نزد اصحاب شده است؟ اگر مشهور گفته‌اند باید قبل از محقق اول هم یافت می‌شد.

پس کلام صاحب مدارک را چگونه توجیه کنیم؟ ایشان که بدون وجه چنین کلامی را مطرح نمی‌کنند. اینکه صاحب مدارک گفته است مشهور و اصحاب چنین فتوایی دارند، حرف ایشان را قبول می‌کنیم ولی باید دقت داشت که گاهی کلمه‌ی اصحاب گفته می‌شود مراد جمیع اصحاب و فقها و علما از زمان ائمه تا کنون نمی‌باشد تا از اتفاق نظر آن‌ها علم به حکم پیدا کرد بلکه مراد شهرت بین متأخرین است. به خصوص از محقق اول به بعد. شما اگر واژه‌ی «اصحابنا»، «عند الاصحاب» را در کتب فقهی جست و جو کنید، موارد زیادی پیدا می‌کنید که واضح است مراد از آن شهرت در برهه‌ی زمانی بعد از محقق اول می‌باشد. لذا ما به صرف اینکه صاحب مدارک بفرماید این مسأله نزد جمیع اصحاب ما قطعی است، را نمی‌پذیریم به خصوص با توجه به اینکه هیچ عبارتی از زمان قبل از محقق اول در این مسأله وارد نشده است. این نکته‌ی بسیار مهمی است؛ چون وقتی گفته می‌شود مشهور گفته‌اند، بین اصحاب ما قطعی است، دیگر کسی نمی‌تواند فتوا را برگرداند.

اولین بحث کننده‌ی این مسأله و رساله‌های موجود در این بحث

قبلاً عرض کردم که سه، چهار رساله‌ی لباس مشکوک است. اولین رساله از مرحوم آ میرزا محمد حسن شیرازی^۲ است که رساله‌ی مختصری هم می‌باشد و در نرم افزار فقه هم وجود دارد. رساله‌ی بعدی از آ میرزا محمد حسن آشتیانی است که معاصر و هم شاگرد آ میرزا محمد حسن شیرازی می‌باشد.^۱ هر دو بزرگوار، شاگرد شیخ انصاری می‌باشند.

۱ مستمسک العروه الوثقی، سید محسن حکیم، ج ۵، ص ۳۲۷.

۲ ایشان همان کسی است که حکم تحریم تنباکو را مطرح کرد.

آمیرزا محمد حسن شیرازی کسی است که این فتوا را برگرداندند و بر خلاف مشهور فتوا دادند. در آن زمان آمیرزا محمد حسن آشتیانی رساله‌ی مفصلی نوشتند با عنوان «ازاحه الشکوک فی اللباس المشکوک یا فی لباس المصلی المشکوک» که این هم در نرم افزار فقه وجود دارد. ایشان همان حرف استاد خود یعنی شیخ انصاری را تأیید کرده و با مشهور موافقت کرده‌اند.

آقای نائینی هم یک رساله در این مسأله با عنوان «رساله الصلاه فی المشکوک» دارند که باز هم در نرم افزار فقه وجود دارد. ایشان در مقدمه‌ی این رساله می‌فرماید از قدیم دو قول در این مسأله وجود داشته است. قولی وجود داشته است که جایز نیست و به اصحاب استناد شده است و قولی هم بر جواز وجود داشته است که در فضای فقه قول شاذ حساب می‌شده است. اولین کسی که مسأله را گفته و خلاف مشهور و به آن قول شاذ فتوا داده است، خود صاحب مدارک است. خود صاحب مدارکی که می‌گوید عدم جواز، نزد اصحاب ما قطعی است، خودشان خدشه می‌کنند و بر خلاف آن‌ها فتوا می‌دهند.

هر کس عبارت صاحب مدارک را می‌بیند گمان می‌کند که این مسأله قطعی نزد اصحاب است و نمی‌شود بر خلاف آن فتوا داد ولی می‌بینیم که خود صاحب مدارک بر خلاف آن فتوا می‌دهد. پس معلوم می‌شود مراد ایشان از مقطوع نزد اصحاب آن چیزی که موجب فتوا می‌شود و متبادر به ذهن است، نمی‌باشد؛ به عبارت دیگر: ایشان این مسأله را بین جمیع اصحاب قطعی ندانسته‌اند.

سؤال: قبل از محقق اصلا این بحث مطرح بوده است؟

پاسخ استاد: قبل از محقق اصلا این بحث مطرح نبوده است. و هیچ عبارتی بر اساس فحوی که ما داشتیم، در این مسأله نیافتیم.

مرحوم نائینی می‌فرماید در این مسأله، این دو قول وجود داشت. عدم جواز که قول مشهور است و جواز که قول شاذ است. بعد می‌گوید تا اینکه سیدنا الاستاذ الاکبر (میرزا محمد حسن شیرازی) آمد^۲ و فتوای ایشان برگشت و دیگران هم با دیدن فتوا و نظریات ایشان، کم‌کم فتوای ایشان را تأیید کردند و آن فتوا از شدوذ خارج شد. الان هم می‌بینید که سید محمد

۱ آمیرزا محمد حسن آشتیانی صاحب کتاب بحر الفوائد، تحصیلاتشان نجف بوده است ولی بعداً به تهران برگشته‌اند. ایشان همان کسی است که با وجود اینکه معاصر میرزا بودند و خیلی می‌طلبید که در بحث تحریم تنباکو و مسائل سیاسی یک سوتی بدهند. آمیرزا محمد حسن شیرازی که در سامراء و نجف فتوای تحریم تنباکو را مطرح کرد، همه از ایشان مأیوس شدند، و بسیاری تعجب کرده بودند. وقتی ایشان در تهران حرف میرزا محمد حسن شیرازی را تأیید کرد، این تحریم تنباکو محکم شد. خیلی‌ها امید داشتند که در تهران از جانب ایشان با تحریم تنباکو مخالفتی اظهار شود و این بحث به اختلاف بیفتد و اثر نداشته باشد ولی ایشان موافقت خود را اعلام کرد و همه‌ی آن‌ها را ناامید کرد.

۲ رساله الصلاة فی المشکوک (لنائینی، ط - الحدیثه)، ص ۷.

کاظم که تقریباً معاصر با میرزای بزرگ است، عروه را که نوشتند، فتوایی که قبل از آمیرزا محمد حسن به عنوان فتوای شاذ بوده است، مطرح کرده و به آن فتوا داده‌اند.^۱

لذا آقای نائینی می‌فرماید که بعد از میرزای شیرازی فتوای به جواز گسترده شد.^۲

عبارت محقق در شرایع ذیل این مسأله

عبارت محقق در شرایع فقط در بحث خلل نماز می‌باشد. ایشان در بیان خلل نماز که به صورت عمدی محقق می‌شود، می‌فرماید «الثالث: إذا لم يعلم أنه من جنس ما یصلی فیه و صلی أعاد»^۳ یعنی اگر نماز در چیزی که شک دارد از جنس چیزهایی است که نماز در آن صحیح است یا نه، باید نمازش را اعاده کند.

همانگونه که دیده می‌شود در این عبارت می‌فرماید نمی‌داند از جنس ما یصلی فیه است یا خیر، شراح هم این چنین معنا کرده‌اند. خود محقق، شرحی بر شرایع ندارد. لذا فعلاً توضیحی از خود ایشان در مورد این عبارت وجود ندارد. اما آن اندازه که به بحث ما مرتبط می‌باشد، در کتاب معتبر که شرح خود محقق می‌باشد، یک کلمه‌ای بیان کرده است که جا داشت به آن توجه و پرداخته شود.

عبارت محقق در معتبر ذیل این مسأله

در معتبر فرموده‌اند: «البحث الثانی: ما لا یؤکل لحمه و لیس سبعا کاللقنذ، و الیربوع، و الحشرات لا تصلی فی جلودها، لان وقوع الذکاة علیها مشکوک فیه»^۴ در ادامه هم می‌فرماید «مسئله: کل ما یحرم أکله یحرم الصلاة فی شعره، و صوفه، و وبره» هر چیزی که گوشتش را نمی‌شود خورد و حرام گوشت است، نماز خواندن در مو و پشم و کرک آن هم جایز نیست. «الا ما تشبیه، و هو قول علمائنا»^۵ عبارت «الا ما تشبیه» را چگونه باید معنا کرد؟ اگر این عبارت را چنین معنا کنیم که نماز خواندن در لباسی که از حیوان غیر ماکول اللحم دوخته شده است باطل است الا اینکه حیوان مشکوک فیه باشد و ماکول بودن یا ماکول نبودن آن معلوم نباشد، که این معنا درست به نظر نمی‌رسد، زیرا صاحب مدارک در مورد همین فرض می‌فرماید قول

۱ العروة الوثقی (للسید الیزدی)، ج ۱، ص ۵۶۱.

۲ رساله الصلاة فی المشکوک (لنائینی، ط - الحدیث)، ص ۷.

۳ شرائع الإسلام، جعفر بن الحسن بن یحیی (المحقق الحلّی)، ج ۱، ص ۱۰۴.

۴ المعتبر فی شرح المختصر، المحقق الحلّی، ج ۱، ص ۸۰.

۵ المعتبر فی شرح المختصر، المحقق الحلّی، ج ۲، ص ۸۱.

اصحاب ما بر این است که نماز در این مورد صحیح نیست، حتی اگر آن نکته را هم مد نظر قرار دهیم و بگوییم مراد ایشان از اصحاب جمیع اصحاب نیست، باز هم قطعاً افرادی از فقها هستند که چنین نظری دارند و نمی‌توان صحت نماز در چنین فرضی را به عنوان «قول علمائنا» مطرح کرد.

مرحوم نائینی در اول همین رساله‌ای که عرض کردیم می‌فرماید در این مسأله یعنی در لباس مشکوک چهار قول وجود دارد. یک قول این است که نماز در چنین لباسی مطلقاً باطل است. قول دیگر این است که نماز در چنین لباسی مطلقاً جایز است. دو قول دیگر هم قول به تفصیل هستند.^۱ مرحوم خوئی هم پنج قول به تفصیل ذکر کرده‌اند.^۲ پس نمی‌توان جواز در لباس مشکوک را به عنوان «قول علمائنا» مطرح کرد.

با توجه به این مطلب پیگیر این مسأله شدیم که دیگران این عبارت را چگونه معنا و استظهار کرده‌اند، ولی طبق جست‌وجوی بنده هیچ جا به این مطلب اشاره‌ای نشده و معنایی نکرده‌اند. فقط در یک حاشیه آقا جمال خوانساری در شرح لمعه اشاره‌ای به این مطلب شده که آن هم عبارتش با این عبارتی که در معتبر وارد شده است تفاوت دارد. ایشان عبارت قواعد را چنین نقل می‌کند: «کل ما یحرم اكله یحرم الصلاة فی شعره و صوفه و وبره الا ما استثنیه و هو قول علمائنا»^۳ اگر عبارت ایشان از معتبر صحیح بوده و عبارت معتبر «الا ما استثنیه» باشد، این عبارت محقق اشاره‌ای به محل بحث ما نخواهد داشت چون مواردی که در آینده استثنا شده‌اند می‌تواند نماز در لباس از جنس خز و گیاه باشد؛ ولی اگر عبارت ایشان در معتبر «الا ما تشبیه» باشد، ارتباط با محل بحث ما خواهد داشت ولی آن اشکالی که بیان شد نیز به آن وارد خواهد بود.

البته باید توجه داشت که آقا جمال هم توضیحی در مورد این عبارت مطرح نمی‌کنند ولی متنی که نقل کرده‌اند متفاوت است. حال با توجه به نکاتی که بیان شد باید بررسی کرد که آقا جمال با عنایت و توجه این عبارت را تغییر داده است یا با توجه به مشابه بودن دو عبارت «الا ما تشبیه» و «الا ما استثنیه» ناسخین کتاب آقا جمال اشتباه کرده‌اند.

این مقدماتی بود که ذکر آن‌ها راجع به این بحث لازم بود.

سؤال: آیا این عبارت معتبر را به عنوان اولین عبارت در این مسأله مطرح کردید؟ یعنی اولین کسی که به این بحث به صورت مستقل پرداخته معتبر بوده و با این عبارت بیان کرده است؟

۱ رساله الصلاة فی المشکوک (لنائینی، ط - الحدیثه)، ص ۷.

۲ موسوعه الامام الخوئی، السید ابوالقاسم الخوئی، ج ۱۲، ص ۲۰۲ الی ۲۰۵.

۳ التعليقات علی الروضة البهیة، خوانساری، الشیخ جمال الدین، ج ۱، ص ۱۹۱.

پاسخ استاد: نه. اولین کسی که به این مسأله به صورت مستقل پرداخته است خود محقق می‌باشد ولی نه در کتاب معتبر که شرح مختصر ایشان می‌باشد، بلکه این مسأله را در کتاب شرایع ذکر کرده‌اند و عبارت ایشان در شرایع اولین جایی است که به این مسأله به صورت مستقل پرداخته شده است. عبارت ایشان در شرایع چنین است: «و لا تصح الصلاة فی شیء من ذلک إذا کان مما لا یؤکل لحمه و لو أخذ من مذکی»^۱

تبیین مسأله در چهار مقام توسط مرحوم حکیم

حاج آقا در کتاب بهجة الفقیه از همان ابتدا به اصل در این مسأله پرداخته‌اند ولی این مسأله مقدماتی دارد که باید مورد توجه و بررسی قرار بگیرند، به همین جهت است که مرحوم حکیم در مستمسک این بحث را در چهار مقام مورد بررسی قرار داده است. شروع بحث حاج آقا در این مسأله، مقام دوم در کلام مرحوم حکیم می‌باشد و اصلاً به مقام اول در کلام مرحوم حکیم نپرداخته‌اند؛ لذا ما ابتدا مقام اول را از کلام مرحوم حکیم مورد بررسی قرار می‌دهیم تا از این مقام هم آگاه شویم. عبارات مستمسک را می‌خوانیم تا اینکه از مقام اول هم آگاه شویم.

قبل از شروع بحث لازم می‌دانم که یک عبارت از مرحوم را برای شما بخوانم. ایشان در آخر بحث از این مسأله و بعد از اینکه حدود ۲۰ صفحه در مورد این مسأله بحث می‌کنند، می‌فرمایند: «هذا و قد کنا عزمنا حین الشروع فی هذه المسألة أن نخرج بها عن وضع هذا المختصر، لکثرة الاهتمام بها» یعنی بعد از اینکه این مسأله را در چهار مقام و در ۲۰ صفحه مورد بررسی قرار می‌دهند، می‌فرمایند قصد ما این بوده است که این مسأله را بیشتر مورد بررسی قرار دهیم، چون اهتمام زیادی به این مسأله وجود دارد، پس قبل از ورود به این مسأله بدانیم که این مسأله مورد اهتمام فقها بوده است، هم اهتمام علمی و هم اهتمام عملی، لذا باید به آن خوب توجه کنیم. در ادامه هم می‌فرماید: «غیر أنه لم یساعدنا التوفیق، لکثرة الشواغل الفکرية، الداخلية والخارجية، النوعية و الشخصية، و لذلك اعتمدنا فی جملة مما ذکرنا علی رسالة لبعض الأعیان فی هذه المسألة نسأله سبحانه مزید العناية و کامل الرعاية، و لا حول و لا قوة إلا بالله العلی»^۲

با توجه به اینکه طولانی شدن مباحث ممکن است افراد را دلسرد کند، یک سقف ۱۰ الی ۱۵ جلسه‌ای برای این بحث در نظر می‌گیریم، اگر عموم ذهن افراد نسبت به این بحث استقبال کرد، آن را ادامه خواهیم داد ان شاء الله. در این ۱۰ یا ۱۵

۱ شرایع الإسلام، جعفر بن الحسن بن یحیی (المحقق الحلی)، ج ۱، ص ۵۹.

۲ مستمسک العروه الوثقی، سید محسن حکیم، ج ۵، ص ۳۴۷.

جلسه، چهار پنج رساله را مرور کنیم. سایر کتبی که به عنوان رساله‌ی لباس مشکوک هم نیست ولی در این موضوع بحث کرده‌اند، را نیز مراجعه داشته باشیم.

پنج رساله‌ای که در نرم افزار هم می‌توانید مراجعه کنید عبارتند از: رساله فی حکم اللباس المشکوک فیه از میرزیا شیرازی، رساله الصلاة فی المشکوک از مرحوم نائینی، رساله فی اللباس المشکوک از محقق عراقی، تحقیق فی مسألة اللباس المشکوک از مرحوم حجت کوه کمری و ازاحه الشکوک از آ میرزا محمد حسن آشتیانی. البته این مورد آخر را اگر بخواهید در نرم افزار مطالعه کنید، باید ذیل «الرسائل التسع» آقای آشتیانی آن را بیابید.

عبارت مرحوم حکیم در تبیین شهرت در مسأله

مرحوم حکیم در توضیح این عبارت «الأقوی جواز الصلاة فی المشکوک کونه من المأكول أو من غیره» از عروه می‌فرماید: «کما عن جماعة من المتأخرین، منهم المحقق الأردبیلی» که ایشان اولین فردی است که به صورت مستقل به این بحث پرداخته است «و تلمیذه فی المدارک» که سید محمد می‌باشد «و المحقق الخوانساری» مراد حاج آقا حسین پدر سید جمال می‌باشد. «و المحدثان المجلسی و البحرانی» ظاهراً مجلسی ثانی (محمد باقر مجلسی) مراد است چون مجلسی اول را به صورت مطلق بیان نمی‌کنند بلکه اول را قید می‌کنند. و بحرانی هم همان ملا یوسف اراده شده است. «و النزاقیان فی المعتمد و المستند» ملا مهدی نراقی در معتمد و ملا احمد که پسر ایشان است، در مستند. «و هو المشهور بین المعاصرین. خلافاً للمشهور» همانگونه که گفته شد مراد از مشهور، مشهور بعد از محقق می‌باشد. «بل عن الشافیه: نسبته إلى الأصحاب، و عن المدارک: نسبته إلى قطعهم، و عن الجعفریة و شرحها: «لو جهل من صلی فی جلد أو ثوب من شعر حیوان أو کان مستصحباً فی صلاته عظم حیوان و لم یعلم کون ذلك الجلد و ذلك الشعر و العظم من جنس ما یصلی فیه فقد صرح الأصحاب بوجوب الإعادة مطلقاً» ولو اینکه حتی در حیوانی یا گیاهی بودن آن شک کرده باشد. «یعنی: أن الحکم بوجوب الإعادة إجماعی للأصحاب» و فی الجواهر- بعد قول ماته فی مبحث الخلل: «إذا لم یعلم أنه من جنس ما یصلی فیه و صلی أعاد»- قال (ره): «بلا خلاف معتد به أجده، بل فی المدارک: هذا الحکم مقطوع به بین الأصحاب»^۱ مقداری از توضیحات که در این متن لازم است را در ضمن عرائض قبل بیان کردم.

ان شاء الله ادامه‌ی بحث فردا.

^۱ مستمسک العروه الوثقی، سید محسن حکیم، ج ۵، ص ۳۲۷.